دریچه

حضور پررنگ ایران در جشنواره‌های بین‌المللی

● «قصیده گاو سفید» به کارگردانی مشترک بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم و تهیه‌کنندگی غلامرضا موسوی در طول یک ماه در هشت جشنواره معتبر جهانی شرکت می‌کند. فیلم سینمایی «قصیده گاو سفید» در ادامه حضورهای بین‌المللی خود در چندین جشنواره بین‌المللی شامل سالونیکا (یونان)، دنور (آمریکا)، فیلم‌هایی از جنوب (اسلو)، برانشوایگ (آلمان)، استکهلم (سوئد)، فیلادلفیا (آمریکا)، جهان زنان (آلمان) و فیلم‌های آسیایی (هنگ‌کنگ) در آبان ماه شرکت می‌کند. شصت‌ودومین جشنواره فیلم سالونیکا (تسولانیکی) از ۱۳ تا ۲۳ آبان (۴ تا ۱۴ نوامبر) در یونان برگزار شد و «قصیده گاو سفید» در بخش افق‌های باز به نمایش درآمد. سی‌ودومین جشنواره فیلم استکهلم از ۱۹ تا ۳۰ آبان (۱۰ تا ۲۱ نوامبر) نیز در سوئد برگزار شد و «قصیده گاو سفید» در بخش مسابقه حضور داشت. چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم «دنور» که از ۱۲ تا ۲۳ آبان (۳ تا ۱۴ نوامبر)، سی‌امین جشنواره فیلادلفیا از ۲۹ مهر تا ۹ آبان (۲۱ تا ۳۱ اکتبر)، سی‌وپنجمین جشنواره فیلم «برانشوایگ» از ۱۰ تا ۱۶ آبان (۱ تا ۷ نوامبر)، بیست‌ویکمین جشنواره فیلم «جهان زنان» از ۵ تا ۱۲ آبان (۲۷ اکتبر تا ۳ نوامبر) در برلین آلمان و هجدهمین جشنواره فیلم‌های آسیایی هنگ‌کنگ از ۵ تا ۲۳ آبان (۲۷ اکتبر تا ۱۴ نوامبر) نیز میزبان فیلم «قصیده گاو سفید» بودند. سی‌ویکمین جشنواره «فیلم‌هایی از جنوب» هم از ۲۰ تا ۳۰ آبان (۱۱ تا ۲۱ نوامبر) در اسلو نروژ برگزار خواهد شد و این فیلم به کارگردانی مشترک بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم در بخش مسابقه حضور دارد. مریم مقدم، علیرضا ثانی‌فر، آوین پوررئوفی و پوریا رحیمی‌سام بازیگران نقش‌های اصلی این فیلم هستند.

فیلم «خورشید آن ماه» ساخته بلند ستاره اسکندری در نخستین نمایش بین‌المللی خود در جشنواره فیلم هند (گوا) به روی پرده رفت.

این فیلم که نخستین اثر بلند ستاره اسکندری در مقام کارگردان به تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی و پخش بین‌المللی مؤسسه ایریماژ است، در بخش چشم‌انداز سینمای جهان در پنجاه‌ودومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم هند شرکت کرد. جشنواره بین‌المللی فیلم هند (گوا) یکی از ۱۵ رویداد الف سینمای جهان (جشنواره‌های رقابتی تقویم فیاپف) است و از ۲۹ آبان تا ۷ آذر سال جاری در شهر گوا برگزار می‌شود. فیلم «خورشید آن ماه»، در هزارتوی چشم‌اندازهای بکر، موسیقی مسحورکننده و آداب و سنن منطقه، در دل داستان عشقی سرکوفته، تصویری صادقانه از قوم شریف و نجیب بلوچستان ارائه می‌دهد که با تصاویر معمول این منطقه و مردمان آن در سینمای مسلط ایران تفاوت‌هایی بنیادین دارد.

نازنین فراهانی و پژمان بازغی، امیرحسین هاشمی، بنفشه صمدی، روژین صدرزاده، صادق سهرابی، مهتاب جامی، نکیسا نوری، صادق بلوچی، روژناک شیرانی و مریم بوبانی و پهلوان اسحاق بلوچ‌نسب بازیگران این فیلم سینمایی هستند. فیلم‌نامه «خورشید آن ماه» که با حمایت منطقه آزاد چابهار ساخته شده، توسط سمیه تاجیک به نگارش درآمده و موسیقی آن را حسین علیزاده ساخته است. جشنواره بین‌المللی دهوک که این روزها در کردستان عراق در حال برگزاری است هم میزبان «جنایت بی‌دقت» در بخش سینمای جهان است و این جشنواره علاوه بر «جنایت بی‌دقت» میزبان فیلم‌هایی مانند «قهرمان»، «تی‌تی» و «زاولا» است.

نمایش مجموعه فیلم‌های کوتاه منتخب هنر و تجربه

● آیین افتتاحیه مجموعه فیلم‌های کوتاه «وضعیت قرمز» با حضور عوامل، بازیگران فیلم‌های کوتاه این مجموعه و جمعی دیگر از هنرمندان سینما روز جمعه ۲۸ آبان ساعت ۱۴:۳۰ در موزه سینمای ایران برگزار شد.

بسته فیلم کوتاه «وضعیت قرمز» که با حمایت مجموعه «ایران‌مال» در سینماهای «هنر و تجربه» اکران می‌شود، شامل فیلم کوتاه «صحنه» به نویسندگی و کارگردانی امیر مهندسیان، «سور بُز» به نویسندگی و کارگردانی سعید زمانیان، «بی‌ریختی» به نویسندگی و کارگردانی محمد رحمتی، فیلم کوتاه «شوفر» به نویسندگی و کارگردانی رضا نجاتی و «دم اژدها» به نویسندگی و کارگردانی سعید کشاورز است.

در مجموعه فیلم‌های کوتاه «وضعیت قرمز»، بازیگرانی چون سیاوش چراغی‌پور، توماج دانش‌بهزادی، علی باقری، وحید نفر، میلاد کفایی، سپیده دستینه و سمانه بهزادپور حضور دارند.

مصائب سینمای وحشت در ایران

بهناز شیربانی: بدون تردید طی سالیان، تلاش‌های اندک سینمای ایران در ترسیم ژانر وحشت، نتیجه مطلوبی نداشته و معدود فیلم‌هایی را می‌توان مثال زد که در ارتباط برقرارکردن با مخاطب موفق عمل کرده‌اند. دلایل گوناگونی برای ناکامی ساخت فیلم در ژانر وحشت ذکر می‌شود که شاید مهم‌ترینش بضاعت محدود سینمای ایران در پذیرش فیلم‌هایی با رویکردهای متفاوت است. با همه اینها جای امیدواری است که در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای استفاده از کهن‌الگوها، روایت‌ها و افسانه‌های محلی در ترسیم ژانر وحشت صورت گرفته است. «پوست» ساخته برادران ارک از جمله فیلم‌هایی است که ارتباط خوبی با مخاطبش برقرار می‌کند. فیلمی که بر اساس داستان‌های محلی و افسانه‌ای روایت شده است و داستان عاشقانه‌اش با ترسیم فضایی هراسناک، مخاطبش را با شکل دیگری از سینما آشنا می‌کند؛ گونه‌ای که به‌شدت در سینمای ما جایش خالی است و به همان اندازه مخاطبان ایرانی با نمونه‌های موفق این گونه سینمایی در کشورمان بیگانه‌اند. از سوی دیگر ساخت فیلم «زالاوا» اثر ارسلان قاسمی باز هم در اقلیمی منحصربه‌فرد با روایتی از خرافه‌هایی که به گوش مردمان این سرزمین آشناست، توانست گام موفق دیگری برای رسیدن به ژانر وحشت در سینمای ایران بردارد. با همه این تلاش‌ها همچنان ژانر وحشت در سینمای ما نادیده گرفته می‌شود و می‌توان دلایل گوناگونی برای کم‌اهمیت‌دانستن آن برشمرد.

شکل‌گیری یک مقدمه

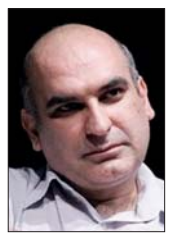

مهرزاد دانش، منتقد صاحب‌نام سینمای ایران در این‌باره به «شرق» گفت: «ژانر وحشت از کلاسیک‌ترین گونه‌های سینمایی است که زیرشاخه‌های ژانری‌اش با توجه به تعدد و تنوعی که دارند، همچنان از پراقبال‌ترین فیلم‌های سینمایی به حساب می‌آیند. ارواح، خون‌آشامان، زامبی‌ها، بیگانگان فضایی، دلقک‌ها، روانی‌ها، محاصره‌کننده‌ها، مهاجمان، سلاخ‌ها، اجنه، اهریمنان، موجودات افسانه‌ای، کابوس‌ها و جانیان، قهرمانان وحشت‌آور این گونه هستند که هریک با توجه به حال و هوای موقعیتی یک فیلم ترسناک، فضایی متفاوت را در رعب‌آوری رقم می‌زنند.

فیلم ترسناک، اگرچه مخاطب را از موجوداتی غریب می‌هراساند، ولی در عمق آن، سوژه ترس، محملی برای واکاوی دغدغه‌های اساسی تماشاگر و ترس‌های او از واقعیت‌های پیرامونی و ذهنیت‌های درونی است. با اینکه تعداد فیلم‌های بنجل و نازل در این گونه فراوان است، اما همچنان می‌توان هر سال، آثار قابل تأملی را در این رده یافت که نگاه انسان‌شناسانه‌شان به مقوله ترس، آنها را فراتر از تولیدات معمول این ژانر قرار می‌دهد.

اما سینمای ایران در این گستره چه جایگاهی دارد؟ در یکی، دو سال اخیر، فیلم‌های متنوعی در این گونه ساخته شده‌اند که شاید بتوانند دورنمای امیدبخشی را ترسیم کند. آن شب، پوست، زالاوا و روایت ناپدیدشدن مریم (که البته این آخری چندین سال قبل ساخته شد ولی اکران گسترده‌ترش این اواخر انجام شد) از این قبیل هستند. با این حال سالیان و حتی دهه‌های گذشته هم فیلم وحشت در سینمای ایران کم و بیش گاه اظهار وجود می‌کرد: خوابگاه دختران، شب بیست‌ونهم، آل، پوسته، اقلیما و... اما این تعداد در هر حال کمتر از بضاعتی است که با توجه به فرهنگ فولکلور ما، در باورهایی دیرینه درباره وجود اجنه در حمام و خطر آل برای بانوان فارغ‌شده و سنگینی بختک بر سینه آدمیان و سرگردانی ارواح خبیثه یا معلق در قبرستان و... فضای وحشت‌آفرینی می‌تواند بیافریند، اما این روایت‌های پراکنده، مجالی برای تبدیل به داستان و فیلم و... پیدا نمی‌کنند و در نتیجه در همان محدوده باقی می‌مانند».

او ادامه داد: «واقعیت آن است که برخلاف رویه و روند داستان‌گویی در غرب که ترکیب فضای گوتیک اروپایی و خرافه‌های آفریقایی و افسانه‌های شرقی و باورهای آمریکای لاتین و آیین سرخ‌پوستان بومی و... توانست منبع گسترده‌ای برای خلق انواع و اقسام زیرشاخه‌های گونه وحشت در ادبیات و سپس سینمای این حوزه جغرافیایی باشد، در ادبیات و سینمای ایران به جز تلاش‌هایی پراکنده و فردی اتفاق خاصی نیفتاد. آیا این به معنی فقر منابع وحشت در مشرق‌زمین است؟ آنچه در فرهنگ ادبی و سینمایی ژاپن و سپس کره جنوبی و تایوان و سایر کشورهای آسیای دور به عنوان یک زیرژانر وحشت بومی پرورش یافت و به نام جی هارور و کی هارور معروف شد، خلاف این را نشان می‌دهد؛ آن‌سان که مدت‌هاست این نوع فیلم‌ها از بهترین‌های سینمای وحشت برشمرده می‌شوند و حتی سینمای آمریکا به بازسازی برخی از آنها (شاتر، حلقه، کینه، آب سیاه) روی آورده است که در عمل هم اتفاقا اصالت نسخه بومی و اولیه را ندارند. پس چرا در سینمای ایران که فرهنگ شرقی در تاریخ و جامعه و فولکلور آن موج می‌زند، از این رویکرد دوری گزیده شده است؟

به نظر می‌رسد مشکل در دو حوزه بروز کرده است: نخست آنکه حکایت‌های کهن و بومی همچون آل و بختک و جن و دیگ‌به‌سر و...، از حالت حکایت به قالب قصه تبدیل نشده‌اند و این انقطاع تاریخی تا مدت‌های مدید ادامه داشته است و دارد. صرف وجود حکایت‌های کهن بضاعتی را بالفعل نمی‌کند و لازم است تا با گسترش پیرنگ و تبدیل متنی چندخطی به درامی پرشاخ و برگ، اصل این ماجرا تحقق پیدا کند. نکته دوم، موانع ایدئولوژیک هستند. سال‌های اول انقلاب که برخی از جمله محسن مخملباف در پی اسلامی‌کردن هنر و ادبیات و سینما بودند، مانیفست‌هایی برای تحقق این آرمان‌شان صادر کردند و یکی از جنبه‌های اعلامی‌شان هم این بود که در هنر اسلامی، مخاطب نباید از هیچ‌چیز به جز خداوند بترسد و از این رو سینمای وحشت از آن جنس که در سینمای خارج مطرح است، با مبانی هنر مورد نظرشان همخوانی ندارد. اگرچه از صدور آن مانیفست‌ها دهه‌ها گذشته است و حتی خود قائلان و بانیانش هم کاملا تغییر فکر و منش داده‌اند، اما به نظر می‌رسد رگه‌ها و روح‌هایی از آن بینش، همچنان بر اسلوب و الگوی سینمای فعلی ایران سیطره دارد، ضمن آنکه برخی از جنبه‌های متداول سینمای وحشت مخصوصا در زیرژانر اسلشر، واجد خشونت و تن‌نمایی فراوان است و این جنبه‌ها در سینمای کنونی ایران بدیهی است که جایگاهی ندارند. علاوه بر این، منبع اصلی الگوهای سینمای وحشت، مناسبات فولکلور است که می‌تواند در برداشت‌هایی به عنوان خرافات یاد شود و باز همین هم فضا را برای وضع موجود تنگ‌تر کند».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «با همه اینها، همان‌طور که در ابتدای این یادداشت آمد، در چند سال اخیر، وضعیت سینمای ایران از این جهت کمی بهتر شده است. در فیلم‌های پوست، زالاوا و ناپدیدشدن مریم، از قضا روی منابع بومی وحشت تاکید شده است که می‌تواند در شکل‌گیری مقدماتی یک سینمای بومی وحشت ایرانی که البته تا تحققش زمان و اگر و اماهای فراوانی پیش‌رو است نقش داشته باشد. حتی برخی از این فیلم‌ها از لایه ترسناک ظاهری خود فراتر رفته‌اند و بین سوژه ترس درام‌شان و نقد اجتماعی پل درستی برقرار کرده‌اند؛ مثل فیلم زالاوا که ترس از اجنه را به‌تدریج به سمت ترس از جهل مردمان و عواقب خطرناک آن تغییر جهت می‌دهد و نوعی جنبه انتقادی پررنگ برای ژانر خود رقم می‌زند؛ یا فیلم پوست بیش از آنکه در ژانر وحشت بگنجد، فضای روایی و بصری مایه‌های فولکلور را از افسانه‌های بومی می‌کاود.

ژانر وحشت از گونه‌های مهم سینمایی است که اگر به طور جدی بدان پرداخته شود، هرگز در سطح یک موقعیت فانتزی باقی نمی‌ماند و در زمینه‌های اخلاقی، فلسفی، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌تواند تأمل‌های فراوانی را به بار آورد. فیلم‌های اخیر سینمای وحشت در ایران، گویای این واقعیت هستند».

سینمای ایران ژانرمحور نیست

محمدرضا لطفی کارگردان فیلم «روایت ناپدیدشدن مریم» درباره چرایی نپرداختن به ژانر وحشت در سینمای ایران به «شرق» گفت: «بزرگ‌ترین محدودیت سینمای خودمان است. سینمایی که اساسا ژانرمحور نیست و در این بین محدودیت‌های ژانر وحشت هم قصه خودش را دارد. تنها دو نوع فیلم در سینمای ایران ساخته می‌شود. فیلم‌های شبه‌کمدی و فیلم‌های شبه‌اجتماعی (از واژه شبه استفاده می‌کنم چراکه اکثرا فیلم‌های ما نه کمدی واقعی است و نه اجتماعی واقعی) در این شرایط واضح است که فیلم‌های ژانر جایشان خالی است. همان‌قدر که ژانر پلیسی نداریم از ژانر وحشت هم بی‌نصیب هستیم یا هیچ‌وقت فیلم کمدی-موزیکال نداریم. طبیعتا وقتی سینمای کشوری از ژانر تهی است، ژانر وحشت هم شاملش می‌شود».

او ادامه داد: «به جای ژانر در سینمایمان، با پدیده موج مواجه هستیم. به این معنی که گاهی فیلمی ساخته و با اقبال زیادی روبه‌رو می‌شود و باقی همین مسیر را دنبال می‌کنند تا کیفیت آن گونه به شدت تنزل پیدا می‌کند و مردم هم دیگر روی خوشی به آن نشان نمی‌دهند و بعد موج بعدی شکل می‌گیرد. نمونه‌های بسیار زیادی هم وجود دارد مثل اینکه در دهه ۶۰ موج فیلم‌های اکشن شکل گرفت یا در دوره‌ای موج فیلم‌های کمدی را داشتیم».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «نکته دیگر این است که دو نوع جذب سرمایه در کشور ما وجود دارد. ارگان‌ها و نهادهای دولتی و ذی‌ربط که وظیفه و مأموریت تولید فیلم دارند و هزینه ساخت فیلمی را پرداخت می‌کنند و دسته دوم آدم‌هایی که سرمایه‌های زیادی دارند که اصطلاحا به این دسته تولیدات بخش خصوصی در سینما گفته می‌شود. در هر دو گروه تمایل به سینمای ژانر وجود ندارد. ترجیح می‌دهند یا کمدی بسازند که به عنوان مثال چهار میلیارد سرمایه‌گذاری‌شان به ۱۰ میلیارد برسد یا به سمت ساخت فیلم‌های اجتماعی می‌روند که در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی حضور داشته باشند و در نقطه کانونی قرار بگیرند. فیلم‌های ژانر مربوط به خود سینما هستند که نه بخش دولتی تمایل به ساختشان دارد و نه بخش خصوصی. به این دلیل که به نظرم هر دو دسته سینما را ابزاری برای دیده‌شدن می‌بینند نه برای خود سینما و فیلم‌های ژانر طبعا ابزار نیستند، خود سینما هستند».

کارگردان فیلم «تعارض» ادامه داد: «در کشور ما عمدتا ساخت فیلم‌های اجتماعی در کانون توجه است؛ عمدتا فیلم‌هایی که در جشنواره‌های داخلی و خارجی مورد توجه قرار بگیرند و درباره آنها حرف زده شود و مصلح اجتماعی باشند. این گونه از فیلم‌ها در بخش خصوصی و دولتی طرفداران بسیاری دارد و تکلیف فیلم‌های کمدی هم مشخص است و برای درآمدزایی بیشتر ساخته می‌شود. ژانر وحشت، گونه‌ای از سینماست که بخشی از آن مرتبط با تکنیک است و این موضوع هم هزینه‌بردار است و سینمای ما هم برخلاف چیزی که گفته می‌شود دیجیتال می‌آید که سینما را ارزان کند، در کشور ما برعکس اتفاق افتاده و همه‌چیز قیمت‌های باورنکردنی دارد. قیمت بالای دلار، تحریم‌ها و بسیاری از مسائل دیگر باعث شده سینمای ما در بعد تکنیکال سینمای گرانی باشد و بخشی از ژانر وحشت مبتنی بر تکنیک و هزینه‌بردار است. به‌علاوه اینکه بسیاری هم حاضر نیستند وارد پروسه ساخت این‌گونه فیلم‌ها شوند و اساسا فیلم‌های ژانر فیلم‌های گرانی هستند».

او ادامه داد: «در یک فیلم معمولی ممکن است ۴۰ یا ۵۰ جلسه فیلم‌برداری داشته باشید اما در ژانر وحشت اساسا بخش عمده‌ای از فیلم‌برداری در شب می‌گذرد و شب هم نورپردازی خاص‌تری دارد و سخت‌تر و زمان‌بر است. بر همین اساس تعداد جلسات فیلم‌برداری فیلمی در ژانر وحشت بیشتر می‌شود و این بخش از ساخت فیلم هم نکته‌ای است که باید به آن دقت کرد. اما نکته قابل تأمل این است که ما در کشوری زندگی می‌کنیم که در بعد فولکلور و محلی ما قصه‌های مختلف درباره باورها و افسانه‌هایی وجود دارد که متعلق به ژانر وحشت است. اما سیستم فرهنگی و مدیریت فرهنگی ما در ارشاد، گارد زیادی نسبت به این موضوع دارد. حقیقتش این است که نمی‌دانم طی چند سال اخیر این گارد کمی بازتر شده است یا خیر؟ درباره زمانی صحبت می‌کنم که قرار بود «روایت ناپدیدشدن مریم» را بسازم و صدور پروانه ساخت و نمایش فیلم من هرکدام یک سال زمان برد.

موضوع دیگر هم این است که فیلم‌هایی در دهه ۸۰ از ژانر وحشت ساخته شد که به جز یکی دو اثر موفق، باقی با شکست مواجه شدند و طبعا ترسی هم در تولیدکنندگان بخش خصوصی درمورد این موضوع وجود دارد که ژانر وحشت با استقبال مواجه نمی‌شود و این پیش‌زمینه در ذهن برخی مخاطبان هم ممکن است وجود داشته باشد. اما واقعیت این است که اگر فیلمی در ژانر وحشت خوب ساخته شود با استقبال مردم مواجه می‌شود و مخاطبان سینما هم فیلم را دوست خواهند داشت. این یک واقعیت است و ژانر وحشت یکی از پرطرفدارترین‌ها در تمام دنیاست».

زیر آسمان فیروزه‌ای

ادامه حضور مخاطبان در سالن‌های سینما

● به نظر می‌رسد وضعیت سالن‌های سینما به مرور به روال روزهای پیش از همه‌گیری کرونا، پذیرای مخاطبانی است که ماه‌ها فیلمی را روی پرده ندیدند. «قهرمان» ساخته اصغر فرهادی از جمله فیلم‌هایی است که توانست طیفی از مخاطبان را با خود همراه کند و اعلام فیلم‌هایی که طی روزهای آینده به نمایش گذاشته می‌شوند، نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از انبوه فیلم‌های در صف اکران مانده به نمایش گذاشته خواهند شد. «پوست» ساخته بهمن و بهرام ارک از جمله فیلم‌هایی است که مدتی است اکرانش را آغاز کرده است. این فیلم روایتگر داستانی فولکلوریک از آذربایجان است. فاطمه مسعودی‌فر، جواد قامتی، محمود نظرعلیان، ناصر هاشمی، هادی افتخارزاده، عاشق ولی‌عبدی، نرجس دلارام، ابراهیم دهقان‌زاده، صدیقه دریانی، وحید شیرزاد، داوود نورپور، داوود مظلومی، امید والا، صمد دلنواز و وحید دلنواز در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند. این فیلم جایزه بهترین فیلم تجربی از سوی هیئت داوران سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر را به خود اختصاص داد. «تومان» از دیگر فیلم‌هایی است که این روزها میزبان مخاطبان سینماست. فیلمی به کارگردانی و نویسندگی مرتضی فرشباف. این فیلم که در سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت، توانست در پنج بخش کارگردانی، بهترین نقش اول و مکمل مرد، بهترین فیلم‌برداری و بهترین صدابردار و صداگذاری، نامزد دریافت جایزه سیمرغ بلورین شود و جایزه بهترین فیلم‌برداری را از آن خود کند.

«تومان» قصه‌ای نامتعارف دارد و داستان آن درباره فردی است که از راه قمار اسب و فوتبال تلاش می‌کند تا یک‌شبه طبقه اجتماعی خود را تغییر دهد. در خلاصه این داستان آمده است «داوود در یک گاوداری کار می‌کند. او می‌خواهد یک‌شبه ره صدساله برود و ناگهان پولدار شود. در این میان دوستش به نام عزیز کمکش می‌کند تا در فوتبال شرط‌بندی کند. این‌گونه است که داوود پولدار می‌شود، اما خلق‌وخو و رفتارش به کلی تغییر می‌کند. اطرافیانش و حتی عشقش را از خودش می‌راند. داوود در این مسیر پیش می‌رود تا اینکه حادثه‌ای برای برادر کوچک عزیز رخ می‌دهد و...». از بازیگران فیلم تومان می‌توان به میرسعید مولویان، مجتبی پیرزاده، پردیس احمدیه، ایمان صیادبرهانی و حامد نجابت اشاره کرد. فیلم‌برداری آن را نیز مرتضی نجفی انجام داده و تدوین بر عهده مهدی سعدی بوده است. همچنین موسیقی متن این فیلم را محمدرضا حیدری ساخته است. «منصور» ساخته سیاوش سرمدی هم از دیگر فیلم‌هایی است که با حواشی بسیار راه به اکران باز کرد. فیلمی که مدتی قبل به واسطه حذف سکانس مربوط به دیدار شهید ستاری و مرحوم هاشمی‌رفسنجانی و کوتاه‌شدن ۱۷دقیقه‌ای‌اش خبرساز شد؛ حذفی که گفته می‌شد به درخواست خانواده هاشمی صورت گرفته است اما محسن هاشمی اعلام کرد که این امر با تمایل ما صورت نگرفته است.

فیلم «منصور» روایتگر تلاش‌های منصور ستاری در طول دوران جنگ برای مجهزکردن نیروی هوایی ارتش ایران است. او فرماندهی است که باید هم با تحریم و هم نیروهای داخلی و خارجی برای تجهیز ادوات جنگی در حوزه هواپیمایی بجنگد.

این فیلم در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و در چند بخش نامزد دریافت جایزه شد. در این فیلم محسن قصابیان، حمیدرضا نعیمی، علیرضا زمانی‌نسب، سید جواد هاشمی، قاسم زارع و لیندا کیانی به ایفای نقش پرداخته‌اند.

«گشت ارشاد۳» ساخته سعید سهیلی از دیگر فیلم‌های کمدی اکران پاییز است. در این فیلم پولاد کیمیایی، ساعد سهیلی، بهنام بانی، میرطاهر مظلومی، نازنین کیوانی و... به ایفای نقش پرداخته‌اند.

«آپاچی» ساخته آرش معیریان و «حکم تجدیدنظر» محمدامین کریم‌پور نیز از دیگر فیلم‌هایی است که به اکران رسیده‌اند. «آتابای» آخرین ساخته نیکی کریمی هم اکرانش را آغاز کرد. این فیلم نخستین‌بار در سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. در جشن تجلی اراده ملی جشنواره فجر، از سوی وزارت ورزش و جوانان، فیلم آتابای بهترین فیلم در این حوزه انتخاب شد که تندیس‌هایی به نیکی کریمی و هادی حجازی‌فر اهدا شد. همچنین بازی جواد عزتی در فیلم آتابای مورد تحسین منتقدان قرار گرفت. داستان فیلم درباره مردی میان‌سال به نام کاظم است که در روستای پیرکندی شهرستان خوی زندگی می‌کند. او که دانشجوی معماری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بوده، پس از یک شکست عاطفی از دانشگاه انصراف داده و به زادگاه خودش برگشته است. خواهرش در جوانی خودسوزی کرده و پس از آن مسئولیت سرپرستی و تربیت پسر خواهرش با اوست. حالا آیدین به سن نوجوانی رسیده و او خود را در تربیت او ناتوان می‌بیند و با این حال به شدت به او علاقه‌مند است. از سوی دیگر رابطه او با دوست قدیمی‌اش به نام یحیی دچار چالش شده است. در این میان، حضور دو خواهر که آتابای کار ساخت ویلا برای پدر آنها را بر عهده دارد، شرایط تازه‌ای را رقم می‌زند و او به سیما دختر بزرگ خانواده علاقه‌مند می‌شود اما در بیان این علاقه به او تردید دارد و سرانجام این عشق هم نافرجام می‌ماند.

هادی حجازی‌فر، دانیال نوروش، یوسف‌علی دریادل، جواد عزتی، سحر دولتشاهی و معصومه ربانی‌نیا در این فیلم ایفای نقش کرده‌اند.